



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۶/۲۲

ولي الله ملكزی

برگردان: عزیز غزنوی

بهتان و تهمت های وجدان

راجپال یادو کمیدین ورزیده سینمای هند (بالیود) که در ده ها فیلم خوب درخشیده، چند روز پیش یک پیام ویدیویی او را در فیسبوک دیدم که از ۳ دقیقه بیشتر نه بود. او با شهرت و ثروتی که دارد، مانند بعضی سیاستور فیشنی و خیرات خور ما دیده نه میشد.

نکتایی نه داشت و آرایش هم نه کرده بود. صرف یک پیراهن نازک پوشیده و در اتاق قرنطین تنها نشسته بود، با گفتن نمستی سخنانش را این گونه آغاز کرد:

(من هم مانند دیگران، در این فکر فرو رفته ام که این هستی بزرگ که در میان هفت اقیانوس آباد است ۷۱ فیصد آن آب است. متباقی جنگلات، دشتها و کوهسار است و فکر میکنم از ده الی پانزده فیصد آن، ما هفت و نیم میلیارد انسانها زندگی میکنیم. از روزی که من تولد شده ام، همین یک سخن را میشنوم که این ابر قدرت است و آن ابر قدرت است. امروز یقیناً دانستم که ابر قدرت تنها یکی ست و چرخه زندگی ما به ثروت نه می گردد و قدرتمندان هم آن را نه می چرخانند. بلکه قهرمانان اصلی، همین داکترها و نرسها اند که با مرگ بازی می کنند، رانندگان ترک ها اند که برای مردم خوراک می آورند و این جاروب کشان اند که راه ها و خیابانها را پاک میکنند. این زندگی آنگاه بیشتر رنگین و زیبا و دلپذیر خواهد شد که وجدان از زنگ کدورت پاک شود)

نه میدانم که این هم میهن مهاتما گاندی، خود را بنده رحمن میدانند یا بگوان، خواهند رفت و خبر خواهند شد. مگر مقصد من از این فلسفه طویل دو نکته است، وجدان و قهرمانان. راجپال در جامعه چشم باز کرده که زندگی به اساس طبقات شکل گرفته و به آن کاست گفته میشود و مردم به پنج گروه یا کتگوری تقسیم شده اند. اما ما من حیث یک جامعه عقیده مند و باور مند، یک رعیت و یک برابر استیم که معیار برتری در میان ما، تقوی و انسان خوب بودن است. افغانها در چهار دهه اخیر با ذهنیت کلتور جدید جنگی و ناز و نعمت آشنا شده اند، بیگانه ها چی که حتی با دیگر کشور های اسلامی هم کاملاً فرق دارند.

در کشور ما صبح و شام بحث های جهاد، الحاد، فساد، مقاومت و غنیمت است، شعارهای دم، بم و دود شنیده میشود. در گرد همایی های سیاسی، در مناظر و محراب های ما ترانه های قصور و قبور زمزمه میشود. کشته هر گروه خوب و بهشتی است، و هر کشته شده طرف مقابل مردار و جهنمی است. زندگان بی قدر اند ولی به گنبد های مردگان میلیونها دالر خیراتی مصرف میشود. در پیشانی هر بیرق سبز نوشته است: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) مگر در عمل به اصطلاح پیشاوری ها، بمثابة کارد و گوشت است. با دیگران خوب چنه ها زده شد و معاهده امضا شد. اما در ماه مبارک عبادت و مغفرت، خون بسیاری از هموطنان مسلمان ما ریخته شد.

داکتر نجیب آخرین رئیس جمهور نظام الحادی در یک آپارتمان کرایبی در مکرویان زندگی میکرد، اما قوماندان های خرد و کوچک نظام جهادی در کاخ های شیشه بی زندگی میکنند. جنگ سالاران مجرم موسیچه های سفید و بی گناه شده اند، بیشتر فربه شدند و بیشتر تقدیر و تکریم شدند. ولی همین مردم به قهرمانی، قهرمان ملی اعلیحضرت امان الله خان که استقلال کشور را از انگلیس گرفت شک دارند. و از پهلو زیارت این زعیم جوان به سرعت می گذرند، به قبر او فاتحه خواندن را بدعت و بزرگداشت او را مصیبت سیاسی میدانند.

مردم الجزایر استعمار فرانسه را (۱۸۳۰-۱۹۶۵ م) شکست داد، و مردم مبارز کشور صحرائی لیبیا به رهبری عمر المختار، در برابر تجاوز ایتالیا (۱۹۱۱-۱۹۵۲ م) حماسه آفرید. در این دو کشور میلیونها انسان شهید شد، به غازی به دیده دلور دیده میشود، مگر در شانه هیچ کس رتبه مارشالی کوبیده نشده و نه کسی را قهرمان ملی می گویند، تنها به المختار لقب شیخ الشهداء داده شده و قبرش گنبد ندارد.

از سده های میانه گرفته تا حال، افغانستان یگانه کشور بدبختی ست که در چهل سال، شکار دو ابر قدرت جهانی و دو

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکی په خیر و لولی

پهلوان منطقه يی شده است. در همین چهار دهه، افغانستان منحيث لائراتوار چهار نظام ضد و نقیض قرار گرفت، مگر نتیجه هر آزمون منفی بوده و به جای دوا، سبب درد گردیده است.

دیانت نام ارتباط میان خالق و مخلوق، آدرس ویژه معرفت و یک مسئله فردیست. اما رژیم خونین خلق و پرچم، اقتدار تنظیمی و جهادی، امارت و خلافت اسلامی و معجون جمهوریت و دموکراسی فعلی غربی، هر کدام به نوبت آن را در خم ایدیالوژی خویش رنگ کرد. هر کدام جداگانه تلاش کرد تا آن را در آینه خویش انعکاس بدهد. از سوی دیگر وظیفه بنیادی هر دولت، بهبود معیشت مردم، شنیدن آواز مردم و عدالت اجتماعی بود، ولی همین چهار دولت در کش و گیر قدرت گیر ماندند.

انتخابات که در شریعت جایگاه ویژه دارد و تمثیل اراده مردم و دموکراسی است، با چشم باز دیدیم که این پروسه ملی چگونه اغوا شد و با چه مهارتی نذرانه هوس های زورمندان و بداران خارجی گردید؟ همین گروه ها با قاتل هزاران افغان به بهانه همدردی سفارت ها را طواف میکنند و به مرگ ده ها هموطن ما که در دریا انداخته شد، سکوت مرگبار اختیار میکنند.

روانشناسان وجدان را اینگونه تعریف می کنند: وجدان یک صدای نهفته و احساس عمیق است، که هر انسان عاقل توسط او درست و نادرست را تفکیک میکند و به جای به سوی شر، به سوی خیر راه میبرد. روان های خاکستر شده در شعله های چهار دهه جنگ، در انتظار پاسخ این پرسش بی جواب اند که: آیا تیکه داران سرنوشت ما گاهی هم با خود محاسبه کرده اند که اینان از محکمه، وجدان، طعنه ها و تهمت ها در امان اند؟ آیا اینان به راستی احساس میکنند که حکومتداری بداراری نیست بلکه یک مسئولیت است؟ آیا اینان می پذیرند که دگر پذیری نردبان عروج ملتهاست، و تعصب و بیگانه پرستی وسیله زوال و بر بادیدست؟

سلامت و ملامت شما را زمان و تاریخ به نسل های آینده میکشاید و صندوقچه های رازهای پوشیده شما را حتماً یکروز می شکند، آنگاه دیر و آب از پلوان گذشته خواهد بود!؟

یک خواهش:

از صاحبان قلم، زبان و فکر به مناسبت روز جهانی زبان خواهش میکنم که زبان مادری خود را به مدارج تکنالوجی، رقابت و برابری بیاریند. استغنا خوب است اما این زبان به غنا مندی بیشتر نیاز دارد، زیرا که ما برای خدای نیت نماز را به پشتو می بندیم باز به زبان قرآن، برایش زاری و عبادت میکنیم. ممنون

۲۱ جون ۲۰۲۰

تورنتو، کانادا